نگاه

### نگاهی به راهکارهای مقابله با اعتیاد جوانان

## تهران؛ کلان‌شهری مستعد برای گرایش به اعتیاد

سرگرد الهام ناصری

● امروزه مراکز شهری به عنوان مراکز وقوع جرم و انحرافات اجتماعی شناخته می‌شوند. در مراکز شهری به‌ویژه کلان‌شهرهایی مثل تهران بزرگ شاهد هزاران نفر از جوانانی هستیم که به مواد مخدر و انواع آسیب‌های اجتماعی روی آورده‌اند. شهر تهران علاوه بر اینکه پایتخت و کلان‌شهر است، شهری است نوگرا که اکثر ساکنان این شهر جوانان هستند و همین موضوع در گرایش جوانان به مواد مخدر می‌تواند مؤثر باشد.

مسئله گرایش جوانان به مواد مخدر از این نظر اهمیت دارد که پاره‌ای از عوامل فردی، اجتماعی و... فرد را به سمت اعتیاد سوق می‌دهد. به بیان دیگر، معتادشدن ارثی نیست، بلکه مجموعه‌ای از شرایط فوق که دارای ریشه‌های متفاوتی هستند، زمینه‌ساز اعتیاد می‌شوند. در هیچ مواردی کنش اعتیاد از نسل پیشین به نسل پسین به میراث نمی‌رسد، بلکه فقط گرایش به آن است که می‌تواند جنبه ارثی داشته باشد. در نتیجه از آنجا که شخصیت فرد معتاد محصول کارکردهای جامعه نیز هست، اهمیت طرح و پرداختن به این مسئله که چرا جوانان به سمت اعتیاد کشیده می‌شوند و نقش عوامل فردی و اجتماعی در این میان به‌روشنی هویدا می‌شود.

به طور کلی، گزارش حاضر جمعیت جوانان پایتخت را در معرض خطر می‌داند و به مسئولان امر این نکته را یادآوری می‌کند که به مسائل جوانان توجه ویژه‌ای داشته باشند.

هدف از این گزارش بررسی راهکارهای علل و عوامل فردی و اجتماعی اعتیاد به مصرف مواد مخدر در نوجوانان است. این گزارش اجتماعی به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و بر مبنای نظریات موجود می‌کوشد با استفاده از تحلیل نظری به بررسی عوامل فردی و اجتماعی سپس به نقش راهبردها و رویکردهای پیشگیری‌کننده اعتیاد توجه کند. از این‌رو مقابله با آن و اجرای برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌های مواد مخدر برای مصون‌سازی خانواده‌ها، محیط‌های کاری و آموزشی و محله‌ها، به منزله راهبردی ملی در سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه قرار دارد.

با توجه به نتایج تحقیق، به طور کلی عوامل و دلایل فردی عبارت‌اند از: کمبود اعتماد به نفس، درد یا بیماری جسمی، نظر مثبت به مواد مخدر، داشتن زمینه ارثی، مورد خشونت قرارگرفتن، وضعیت بد تحصیلی و فرار از مدرسه، کنجکاوی، لذت‌جویی، تحمل‌نکردن مشکلات، احساس حقارت در فرد، مسائل و مشکلات روحی و روانی، طغیان علیه والدین، آشفتگی عاطفی، فشار دوستان و هم‌سالان یا طردشدگی و عوامل اجتماعی نیز شامل معاشرت با رفقای معتاد و منحرف، طردشدن از طرف معلمان، دوستان و بستگان به دلیل تخلفات جزئی، مهاجرت، نبود تفریحات سالم، دسترسی آسان به مواد مخدر در جامعه، فشارهای ناشی از محیط، بی‌نظمی ناشی از محیط، بی‌نظمی جامعه، القای کذب از طرف دوستان و اطرافیان نسبت به لذت‌های زودگذر، شناخت‌نداشتن جامعه از توانایی، استعداد و حرفه افراد، نبود یا کمبود امکانات و تجهیزات کافی برای گذراندن اوقات فراغت، تجمل‌پرستی و رقابت‌های بیهوده و... هستند.

بالاترین رقم سنی معتادان در تهران را افراد ۲۵ تا ۳۹ سال تشکیل می‌دهند، مطابق تحقیقات به‌عمل‌آمده جوانان مراکز مواد مخدر در مناطق شوش، مولوی، هرندی، دره فرحزاد، دره جاجرود و محله خاک‌سفید هستند و باید تأکید کرد جوانان مناطق مورد مطالعه از نظر قرارگرفتن در معرض خطر ابتلا به مواد مخدر در وضعیت کاملا نامناسبی قرار دارند. بنابر نتایج تحقیقات، درصد بالایی از جوانان این مناطق نگرش مثبت یا بینابینی به مصرف مواد مخدر دارند و اطلاعی از خطرناک‌بودن این مواد ندارند.

با توجه به این موضوع والدین و مربیان باید سعی کنند با استفاده از روش‌ها و آموزش‌های لازم بچه‌ها را از همان دوران کودکی و پیش‌نوجوانی با آثار زیان‌بار مصرف این‌گونه مواد و اثرات و پیامدهای ناشی از آن بر جسم و روان‌شان مطلع کنند.

این آموزش‌ها می‌توانند از طرف مدارس و با همکاری سایر سازمان‌ها به نحو مطلوبی اجرا شوند. طبعا دستیابی آسان به مواد مخدر درصد بیشتری از جوانان را در معرض خطر ابتلا به مواد مخدر قرار می‌دهد بنابراین به نظر می‌رسد در زمینه عرضه مواد مخدر باید روش‌ها و سیاست‌هایی را اتخاذ کرد که حداقل امکان تهیه مواد مخدر را برای افراد عادی دشوار کند، این شرایط بسیج همگانی و همت عالی را از طرف همه مردم و سازمان‌های ذی‌ربط می‌طلبد.

***دکترای علوم تربیتی اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی معاونت اجتماعی تهران بزرگ**

### گفت‌وگو با مردی که اعضای بدن پسر ۲۱ ساله‌اش را اهدا کرد

# از تصادف مرگ‌بار تا بخشش بزرگ

**شرق:** یک تصادف، جان پسری ۲۱ ساله را گرفت. این حادثه در گرمسار اتفاق افتاد و پسر جوان دچار مرگ مغزی شد. بعد از آن خانواده او اعضای بدن این جوان را اهدا کردند و بیماران نیازمند عضو را به زندگی بازگرداندند. حمید بلوچی، مرد ۴۴ ساله‌ای که اعضای بدن فرزندش را اهدا کرده، در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره این حادثه توضیح داده است.

**حادثه منجر به مرگ مغزی پسر شما چطور اتفاق افتاد؟**

روز جمعه، ۲۲ آذر، پسرم می‌خواست با یکی از دوستانش بیرون برود. سر کوچه منتظر بود که ماشین به او زد و در این تصادف آسیب جدی دید، به‌نحوی‌که برای دقایقی خون به مغزش نرسید و اورژانس هم ۳۰ دقیقه بعد از اعلام به محل رسید. وقتی هم که او را به بیمارستان بردند، ظاهرا کارهای درمان و معاینات اولیه به سرعتی که بایدوشاید انجام نشد؛ مثلا به‌ترتیب همه مراحل معاینه مانند رادیولوژی و ام‌آرآی و دیگر اقدامات تشخیصی به‌سرعت انجام نشد. از طرفی پزشک مغز و اعصاب که باید در بیمارستان یا نهایتا آن‌کال باشد، در مرخصی بود و جایگزینی هم برای او وجود نداشت. همه این ماجراها با هم باعث شد اتفاقی که نباید، بیفتد و پسرم مرگ مغزی شود.

**شما چند فرزند دارید؟**

من یک پسر به نام مهدی داشتم که اعضایش را اهدا کردیم و الان یک دختر برایم مانده است.

**مهدی چه‌کار می‌کرد؟**

مهدی ۲۱ سال داشت، دانشجوی حسابداری صنعتی و فوتبالیست بود.

**کدام اعضای بدن فرزندتان را اهدا کردید؟**

جمعه، بیست‌ودوم تصادف اتفاق افتاد و ۲۴ تیرماه بود که ما اهدای عضو کردیم. پنج عضو او اهدا شد. ما گفته بودیم هر عضوی را که قابل استفاده است برای اهدا بردارند. به ما گفتند که دو کلیه، کبد، قلب و نسوج قابل استفاده است و برای کمک به دیگر بیماران استفاده شده.

**چه شد که تصمیم به اهدای اعضای فرزندتان گرفتید؟**

من خودم از پرسنل درمانی بیمارستان گرمسار هستم، برای همین با موضوع آشنا بودم و اهمیت موضوع را می‌دانستم. برای همین می‌خواستم پسر من که فوت شده بود، حداقل چند نفر به زندگی برگردند. ضمن اینکه پسرم هم خیلی دوست داشت اگر اتفاقی افتاد، اعضای بدنش اهدا شود. هروقت صحبتش را می‌کردیم، می‌گفت اعضایش را اهدا کنیم. البته کارت اهدای عضو نداشت، ولی چون می‌دانستیم مایل به این کار است، اعضایش را اهدا کردیم.

**چه زمانی فهمیدید پسرتان مرگ مغزی شده است و موضوع را چطور به شما اطلاع دادند؟**

همان‌طور که گفتم، من خودم از پرسنل درمانی هستم. وقتی به ما گفتند شرایط خوبی ندارد و اجازه جابه‌جایی او را ندارید، متوجه شرایط شدم و خودم را کم‌کم آماده کردم. وقتی که با همسرم پیش دکتر رفتیم تا وضع پسرم را بپرسیم، دقیق‌تر شرایط را برای ما توضیح دادند و مطمئن شدم او مرگ مغزی شده است. بعد موضوع را به همسرم گفتم. از طرفی بالاخره ما بزرگ‌تر داریم، درست است که پدرم فوت شده است، اما برادر بزرگ‌ترم و پدر همسرم افرادی بودند که جریان را به آنها گفتم و با آنها مشورت کردم.

**واکنش آنها چه بود؟**

آنها هم گفتند اهدای عضو بهترین کاری است که وقتی امیدی به زنده‌ماندن فرد نباشد، می‌توان انجام داد. موافق بودند و ما هم این کار را کردیم.

**واکنش دخترتان چه بود؟**

به او نگفتیم که قصد اهدای عضو داریم و وقتی اهدا انجام شد، او را در جریان گذاشتیم.

**اطرافیانتان وقتی موضوع را فهمیدند چه واکنشی داشتند؟**

هر کس متوجه می‌شود، از ما تشکر و از کارمان تعریف می‌کند. همه خوشحال هستند که می‌شنوند چند نفر جان دوباره گرفته‌اند.

**توصیه شما به افرادی که ممکن است در شرایط مشابه قرار بگیرند چیست؟**

من نمی‌توانم به آنها توصیه کنم، به‌هرحال یک تصمیم شخصی است و هر کسی باید با توجه به شرایط خودش تصمیم بگیرد. اما به نظرم وقتی امید نباشد، بهترین کار اهدای عضو است. البته هستند افرادی که با وجود اینکه امیدی ندارند ترجیح می‌دهند اعضای عزیزشان زیر خاک برود. چون تا آخرین لحظه امیدوارند، اما باید بدانند در شرایطی که فرد مرگ مغزی شده است امیدی به بازگشت به زندگی او نیست و مرگ مغزی با کما فرق دارد.

**آیا جراحی برداشتن اعضای اهدایی در گرمسار انجام شد؟**

نه، من پسرم را با رضایت شخصی از بیمارستان مرخص کردم و از تهران آمبولانسی خواستم که تجهیزات لازم برای انتقال او را داشته باشد. آمبولانس آمد و پسرم را به تهران آوردیم تا اقدامات لازم انجام شود. من خودم کارمند دانشگاه علوم پزشکی هستم، اما امکانات درمانی در گرمسار خیلی ضعیف است و امکانات نرمال را هم نداریم؛ مثلا اگر چهار تصادف اتفاق بیفتد، وقتی پنجمین نفر مثل پسر من نیاز به خدمات درمانی داشته باشد، امکانات کافی نیست.

# طراح نقشه سرقت مرگ‌بار از خانه پدرخوانده در انتظار محاکمه

**شرق:** مردی که به دلیل بی‌پولی تصمیم به سرقت از خانه پدرخوانده‌اش گرفته و باعث مرگ او شده بود، به‌زودی به‌همراه همدستانش در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، مأموران بهمن سال گذشته از قتل مرد میان‌سالی در خانه‌اش باخبر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه که اتاق‌خواب آپارتمانی در طبقه چهارم مجتمع مسکونی بود، با جسد مرد ۶۸ ساله‌ای روبه‌رو شدند که دست‌ها، پاها و دهانش با زیرپیراهن و شلواری پارچه‌ای بسته شده بود. نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت که مقتول براثر انسداد مجاری تنفسی به قتل رسیده است. از سوی دیگر به‌هم‌ریختگی وسایل خانه مقتول نشان می‌داد قاتل یا قاتلان با انگیزه سرقت دست به جنایت زده‌اند.

پس از اعلام این خبر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند. بررسی‌های تخصصی پلیس نشان داد قاتل یا قاتلان افراد آشنایی هستند که بدون تخریب در ورودی وارد خانه شده و در اقدامی غافلگیرانه مرد میان‌سال را به قتل رسانده‌اند؛ به این ترتیب مأموران ابتدا از پسر و پسرخوانده مقتول تحقیق کردند.

پسر مقتول گفت: سال ۷۸ مادرم فوت شد و پدرم دوباره ازدواج کرد، اما زن دوم او هم مدتی بعد فوت شد و پدرم برای سومین‌بار ازدواج کرد. آن زن یک پسر هم به نام اشکان داشت. پدرم همه اموالش را به نام من زده بود و اشکان هم به دلیل همین موضوع ناراحت بود. اشکان با من تماس گرفت و گفت پدرم در خانه را باز نمی‌کند. او دقایقی بعد هم زنگ زد و گفت: پدرم به طرز مرموزی فوت کرده است.

سپس مأموران از اشکان تحقیق کردند. او در ادعایی گفت: ظهر روز حادثه همراه خانواده‌ام به خانه پدرخوانده‌ام رفتیم و پس از خوردن ناهار ساعت ۱۷ به خانه‌مان در کرج بازگشتیم و با پدرم تماس گرفتم که به او بگویم به خانه رسیده‌ایم، اما جواب نداد. مشکوک شدم و همراه یکی از بستگان همسرم به خانه پدرخوانده‌ام آمدم و با این صحنه روبه‌رو شدم و پس از آن با برادر بزرگ‌ترم تماس گرفتم و موضوع را اطلاع دادم.

مأموران در ادامه متوجه تناقض‌گویی‌های اشکان شدند و او را به عنوان مظنون حادثه بازداشت کردند.

متهم پس از انتقال به اداره‌آگاهی اعتراف کرد که در جریان یک سرقت پدرخوانده‌اش کشته شده و هرچند او قصد نداشته باعث مرگ پدرخوانده‌اش شود اما سارقان اجاره‌ای او را کشته‌اند. اشکان سه متهم را به مأموران معرفی کرد.

بررسی‌های مأموران نشان داد علی ۳۵ ساله که متهم سابقه‌داری است، سال ۹۱ به اتهام آزار و اذیت پسر ۲۱ ساله‌ای در حوالی ستارخان دستگیر و راهی زندان شده است. همچنین مشخص شد علی از اوباش معروفی است که در آن زمان خانواده شاکی را تهدید به قتل کرده بود تا اینکه از سوی مأموران دستگیر و روانه زندان شد و چند ماه قبل از حادثه از زندان آزاد شده است. پس از این، مأموران علی را بازداشت کردند. او در بازجویی به قتل مرد پولدار با همدستی دو نفر از دوستانش به نام‌های فرهاد ۲۹ ساله و امیر ۳۰ ساله اعتراف کرد؛ به این ترتیب مأموران دو متهم دیگر را هم بازداشت کردند.

مأموران در بازرسی از مخفیگاه متهمان علاوه بر طلاهای سرقتی از خانه مقتول تعدادی فرش‌های گران‌قیمت سرقتی و اموال دیگر کشف کردند که حکایت از این داشت این باند با شناسایی زنان و مردان سالخورده تنها از خانه آنها سرقت می‌کنند. همچنین مشخص شد متهمان نقشه سرقت از خانه افراد پولدار در شهرهای تبریز و اصفهان را طراحی کرده بودند که قبل از اجرا دستگیر شدند.

وقتی اشکان برای بیان آنچه اتفاق افتاده بود مورد بازجویی قرار گرفت، گفت: وقتی چهار ساله بودم مادرم با مقتول ازدواج کرد و او پدرانه با من رفتار کرد و من را بزرگ کرد.

حتی برایم مراسم عروسی گرفت و من توانستم روی پای خودم باشم، درس خواندم و دوره‌های ام‌بی‌ای دیدم و معادل مدرک دکتری هم گرفتم، اما در کار دچار مشکل شدم مشکلات مالی‌ام شدید بود و پدرخوانده‌ام به من کمک نمی‌کرد که مشکلم را حل کنم، به همین دلیل تصمیم گرفتم از خانه او سرقت کنم. دو سارق حرفه‌ای را اجیر کردم چون فکر می‌کردم مقدار زیادی طلا و پول درخانه پدرخوانده‌ام باشد. روز حادثه برای ناهار به اتفاق همسرم و فرزندم که سه ساله است، به خانه او رفتیم. بعد از ناهار ما به سمت خانه خودمان برگشتیم و من در ورودی ساختمان را باز گذاشتم. دو پرس هم پلوجوجه خریدم و به سارقان دادم و به آنها گفتم بگویند نذری آورده‌اند آنها هم همین کار را کردند. پدرخوانده‌ام در را باز کرد و آنها وارد شدند، دو نفری دست‌وپایش را بستند و یکی دیگر از سارقان که مردی افغانستانی بود، با مشت به سر او کوبید و باعث مرگ پدرخوانده‌ام شد. آنها مبلغ ۱۵۰ هزار تومان پول پیدا کرده و سرقت کردند.

متهم گفت: وقتی به من گفتند چه اتفاقی افتاده من به خانه پدرخوانده‌ام رفتم تا شاید بتوانم کمکش کنم، چون واقعا قصد قتل او را نداشتم و فقط قصدم سرقت بود تا از بحران مالی نجات پیدا کنم. او به من گفته بود پول ندارد اما من حرفش را قبول نمی‌کردم.

متهمان دیگر نیز اعترافات مشابهی را مطرح کردند و درنهایت کیفرخواست برای آنها صادر شد. امیر به اتهام قتل عمدی و علی و فرهاد به اتهام معاونت در قتل و سرقت و همچنین اشکان، پسرخوانده مقتول، به اتهام معاونت در سرقت از سوی دادسرا متهم شناخته شدند. پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد و متهمان به زودی پای میز محاکمه می‌روند.

## کلاهبرداری با شگرد دریافت بیعانه

فردی که از شهروندان با ترفند درج آگهی جعلی فروش لوازم خانگی در سایت دیوار کلاهبرداری می‌کرد، دستگیر شد.

سرهنگ امین یادگارنژاد، رئیس پلیس فتای استان کرمان، در تشریح این خبر گفت: در پی مراجعه فردی به پلیس و درخواست رسیدگی به شکوائیه خود مبنی بر کلاهبرداری به بهانه خریدوفروش لوازم خانگی، رسیدگی به موضوع در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت.

وی افزود: شاکی در تحقیقات اولیه خود درباره نحوه کلاهبرداری گفت، شخص یا اشخاصی با درج آگهی در سایت دیوار با عنوان فروش لوازم خانگی با قیمت وسوسه‌کننده با او تماس گرفتند و او مبلغی را برای آنها به‌عنوان بیعانه واریز کرد، ولی بعد از واریز مبلغ دیگر فروشنده پاسخ‌گو نبود و تلفن همراهش را خاموش کرد.

سرهنگ امین یادگارنژاد تصریح کرد: کارشناسان پلیس فتا پس از انجام یک‌سری اقدامات فنی و تخصصی و اخذ دستور قضائی توانستند دو کلاهبردار را شناسایی و به‌صورت غافلگیرانه دستگیر کنند. وی تصریح کرد: عاملان کلاهبرداری که دو جوان بودند اعتراف کردند جمعا معادل ۸۰ میلیون ریال با این شگرد کلاهبرداری کرده‌اند.

این مقام انتظامی با اشاره به اینکه تعداد زیادی از شهروندان در دام این کلاهبرداران افتاده‌اند، هشدار داد و گفت: شهروندان دقت داشته باشند قبل از واریز وجه کالایی که در سایت‌های تبلیغاتی دیده و پسندیده‌اند، اول کالا را رؤیت کنند و با دریافت شماره تماس ثابت از فروشنده مطمئن شوند که کالای تبلیغ‌شده واقعی است. همچنین از قرارگذاشتن با فروشندگان این کالاها در مکان‌های پرت و خلوت خودداری کنند و برای مشاهده کالا و پرداخت پول آن حتما در اماکن عمومی و پرتردد با این افراد قرار ملاقات بگذارند.

رخداد

## کلاهبرداری با ادعای فروش باغ

● رئیس پلیس فتای فارس از کلاهبرداری‌هایی که در سایت‌های آگهی‌محور با شگرد فروش باغ شهری صورت می‌گیرد، خبر داد و گفت: افراد به‌هیچ‌وجه فریب تبلیغات دروغین و فروش اقلام ارزان‌قیمت را نخورند. سرهنگ حشمت سلیمانی گفت: در پی شکایت مردی ۳۵ ساله مبنی بر پیگیری آگهی فروش یک باغ شهری و کلاهبرداری از او بررسی موضوع آغاز شد. شاکی درصدد خرید یک باغ شهری از طریق یکی از این سایت‌ها بود و پس از مشاهده آگهی با فروشنده تماس گرفته و فروشنده به او گفته بود در حال معامله با شخص دیگری است و اگر او خواهان خرید است باید مبلغ ۲۵۰ میلیون ریال را به‌عنوان بیانه واریز کند. خریدار نیز مبلغ را واریز کرده اما بعد از واریز، فروشنده پاسخ‌گو نبوده است. کارشناسان پلیس فتا پس از تحقیقات در فضای سایبر، متهم را که فردی حدودا ۴۳ ساله است، دستگیر کردند. سرهنگ سلیمانی بیان کرد: شهروندان پس از انتخاب کالا در سایت‌های واسطه‌گر از واریز هرگونه وجهی حتی مبالغ کم به‌عنوان بیعانه خودداری کنند.

## تهدید به انتشار تصاویر خصوصی در پی پرداخت مهریه

● مردی که همسر سابقش را به‌خاطر مطالبه مهریه به انتشار عکس‌های خصوصی تهدید کرده بود، دستگیر شد. سرهنگ «مرتضی ابوطالبی»، رئیس پلیس فتای یزد، دراین‌باره گفت: زنی با مراجعه به پلیس اظهار کرد فردی با ارسال عکس‌های خصوصی من و تهدید با عنوان اینکه اقدام به فتوشاپ و انتشار در شبکه‌های مجازی خواهد کرد، درخواست مبلغ ۲۰ میلیون تومان کرده است. وی ادامه داد: پس از بررسی، همسر سابق شاکی به عنوان شاکی شناسایی شد و مشخص شد مبلغ قابل توجهی را بابت مهریه پرداخت کرده و سعی دارد با هویت کاذب مبلغ اندک باقی‌مانده را با تهدید و اخاذی از خود شاکی بگیرد. مأموران در ادامه متهم را دستگیر کردند. سرهنگ ابوطالبی خطاب به کاربران گفت: در صورت رعایت‌نکردن ملاحظات ایمنی، قطعا گرفتار شکارچیان فضای مجازی خواهید شد؛ بنابراین نباید فراموش کرد که فضای مجازی یک فضای اشتراکی است، بر این اساس خود افراد نیز باید با وسواس بیشتری نسبت به انتشار انواع مختلف محتواها از زندگی شخصی و اسرار خانوادگی خود، اقدام کنند تا خود را در معرض سوءاستفاده افراد سودجو قرار ندهند.